

فهرست نگاری

از دیدگاه

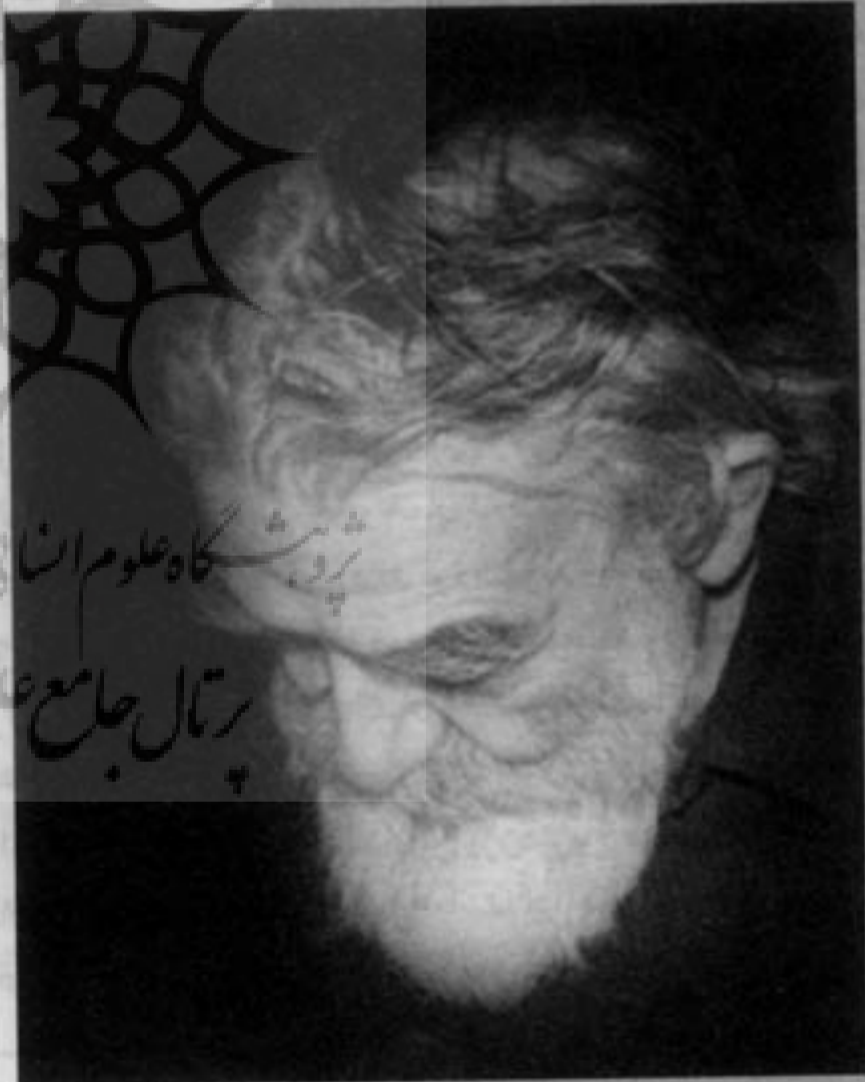
استاد عبدالحسین حائری

سید محمد طباطبائی بهبهانی (منصور)

در آغاز کلام بایسته است مختصری در باب فهرست نویسی نسخ خطی سخن بگوییم. به راستی فهرست نسخ یعنی چه؟ آنچه از واژه "فهرست" نخستین بار به ذهن شنونده متبادر می شود، این که فهرست یعنی: تهیه لیست یا سیاهه ای از نام منابع و آثار. فهرست نویسی آثار چاپی و غیر چاپی و نسخه های خطی هر کدام مهارت ها و ویژگی هایی را می طلبد. فهرست نویسی و طبقه بندی آثار چاپی طبق تعاریف و استانداردهای ملی و بین المللی دارای ویژگی هایی است که کارشناسان این حرفه طی "مراحل آموزشی کتابداری در دانشگاه ها موفق به کسب این مهارت می شوند که موضوع بحث این نوشتار نیست.

در مورد فهرست نگاری نسخه های خطی، فهرست نگار و شخص کتابشناس، در وهله اول باید بهره لازم از تحصیلات معمول حوزوی را دارا باشد، و علاوه بر آشنایی کافی با علوم اسلامی از صرف، نحو، معانی و بیان، فقه، اصول، کلام، فلسفه گرفته تا رمل و اسطرلاب و نجوم، تسلط کافی به سیر تاریخ علم در اسلام و شناخت دانشمندان اسلامی نیز داشته باشد. آنچه گفته شد، باید در شخص جمع گردد تا بسم الله گفته در محضر استادی مجرب زانوی شاگردی به زمین نهد و عملاً فهرست نویسی را بیاموزد، و باید افزود که تعلم این فن یا علم به صورت کلاسیک معمول در دیگر علوم، شدنی نیست و آنچه هست، ممارست به این کار در کنار استادی مجرب و کار آزموده آن هم بعد از احراز شرایط مذکور است.

استاد علامه عبدالحسین حائری - دام عزه - بیش از پنجاه



باری باید نسخ را
از نو نگریست و
از نو فهرست نگاشت و
از نو، مسلمانان درد آشنا،
آستین به قصد
تدوین تاریخ علم بالا زدند.



سال است به تحقیق در زمینه مخطوطات اسلامی - ایرانی اشتغال دارند و در جهان مخطوطات «حائری» نامی است به غایت آشنا، ایشان بیش از نیم قرن است که در کتابخانه مجلس متولی امر کتاب‌شناسی و فهرست‌نگاری مخطوطات است و بسیاری از فهرس تخصصی این کتابخانه اثر خامه ایشان است.

معظم له پس از اتمام تحصیلات عالی و نیل به مقام اجتهاد در سنین جوانی، از شهر قم به تهران هجرت نمود و از همان اوایل ورود، به مخزن نفیس کتابخانه مجلس راه یافته و تا همین زمان به تفحص و بررسی نسخ خطی اشتغال دارند.

به راستی ایشان کوهی از دانش کتاب‌شناسی اسلامی - ایرانی است و به میمنت دقت خاص، بسیاری از ناشناخته‌ها و مجهولات عالم مخطوطات به دست توانای ایشان روشن شده، که الحق شرح آن کتابی جداگانه را می‌طلبد و امیدوارم جمع و تدوین آنها به توفیق حق، نصیب نگارنده شود. استاد در فهرست‌نویسی دارای منطق عملی خاص خویش است، و پنجاه سال است که بر نظر و منطق خویش پای می‌فشارد و بر همان پایه فهرس را نگاشته و هیچ‌گاه دامن قلم را به کار بازاری نیالوده است.

آنچه پایه نگرش و نظریه خاص ایشان در فهرست‌نویسی است و باید به نام ایشان ثبت گردد، نظریه «بازنویسی تاریخ علم در اسلام به دست مسلمین بر اساس بازشناسی نسخ خطی» است.

در این راستا باید متوجه این نکته بود که، هر چه تا کنون درباره تاریخ علم در اسلام نگاشته و به ما مسلمانانها تحویل داده‌اند، آثار فرنگی‌ها است و یا تقلید و تکرار نا محققانه برخی از مسلمانان از آنان، و باید دانست که عواملی چون عدم آگاهی کافی به معالم دین اسلام و غالباً تعصبات و غرض‌ورزی‌ها موجب کاستی کتب مذکور شده است. و چه بسیار افتخارات مسلمین در باب ابداعات و نوآوری‌ها که اروپائیان نمک شناسانه از آن چشم پوشیده، حتی بی‌انصافانه به خود نسبت

داده‌اند و این امری است که هر متخصص آن را در می‌یابد، که غربیان صادقانه تاریخ علم نگاشته‌اند و هیچ‌کس سزاوارتر و صالح‌تر از خود مسلمانان برای تدوین تاریخ علم خودشان نیست، آن هم نه تکرار و تقلید، بلکه کاری سترگ از لونی دیگر.

اما لون دیگر آنچه اساس و دستمایه اصلی تاریخ علم است، چیزی جز مخطوطات نیست، و تنها این موارث است که می‌توان از لابه لای اوراق فرسوده شان تاریخ علم ناب را بیرون کشید و گرد خموم و گمنامی را از روی آن زدود.

پر واضح است که مستند مهم تاریخ در همین راستا فهرس نسخ خطی است و اساساً تاریخ علم بر اساس نسخ خطی تألیف می‌شود. از آن جا که امر فهرست‌نویسی و کتاب‌شناسی جایگاه بسزای خود را نیافته و کمتر فهرستی است که با دقت کافی تدوین شده باشد، به همین علت تاریخ علمی که بر اساس این فهرس تدوین گردد، طبعاً از دقت کافی برخوردار نیست. در تأیید این مطلب باید گفت که به تحقیق، بخش عمده‌ای از مخطوطات ناشناخته باقی مانده است و چه بسا بسیار فهرس که نویسنده باتمسک به یک عنوان «مجهول المؤلف» شانه از بارگران تحقیق خالی می‌کند و اساساً فهرست‌نویس باید با این باور به نگارش فهرست بپردازد که قسم عمده مجهولات تاریخ علم و حلقه‌های مفقوده آن با تائی در مخطوطات ناشناخته حل گشته و تاریخ روشن‌تری از علم خواهیم داشت، و بسیاری از نکات مبهم تاریخ با روشن شدن همین مجهول المؤلف‌ها آشکار می‌گردند. آنچه در این جا تذکرش را بایسته می‌دانم، گلایه‌ای است از یکی از پیش‌کسوتان این فن که اخیراً در یک خطابه فرموده بودند: "این همه به کتاب‌شناسی نسخ نپردازید و وقت خود را پیرامون شناخت آن‌ها تلف نکنید، کمی به خصایص فیزیکی نسخه از قبیل نوع کاغذ، جلد، صحافی، تزئینات، مهرهایی که بر پشت اوراق نسخ کوفته‌اند و گواهی تملک‌ها و غیره بپردازید." واقعاً این سخن از یک متخصص بعید است، که با

که به بهت و قیام

تا به دردم مانع و با

مب امر ز سر بر کن

ب بر جبهه ایم

و مهره آینه‌های

شبهه مبرورشان بدید

رتال جامع علوم انسانی

ندرد وجود در سه با و

ت جریه نحو در

کمال طالع



وجود این همه مجهولات در زمینه نسخ بگوید: کتاب‌ها همه‌شان شناخته شده، و فصل الخطاب در منابع آمده است و دیگر احتیاجی به تحقیق بیشتر نیست و باید به سرخ و سفیدی رنگ جلدها و انواع کاغذها پردازیم. حال آن که منابع مهم چون ذریعه و کشف الظنون و بروکلمان، اغلاط کتاب‌شناسی

فاحش دارند که ویراستاری دیگری را می‌طلبد، تا چه رسد به فهرس دست دهم زید و عمر.

باری باید نسخ را از نو نگریست و از نو فهرست نگاشت و از نو، مسلمانی درد آشنا، آستین به قصد تدوین تاریخ علم بالا زند.

و نه اطاله کلام، و نگارنده حقیقتاً به این امر اذعان دارد، چنان که در طی چهار سال که نگارنده در محضر ایشان شاگردی نموده و تحت نظارت ایشان به تدوین فهرست نسخ خطی جلد ۲۴ (مجموعه طباطبائی) اشتغال داشته است، در سراسر این مدت به شدت مرا از پر نوشتن و تکرار مطالبی که در منابع و فهرس آمده، برحذر می‌داشتند و در بررسی پیش‌نویس‌های فهرست ۲۴ چه بسیار که بر نوشته‌های نگارنده خط می‌کشیدند که تکرار مطالب معروف، چون ذریعه و کشف الظنون هنر نیست، ولی به عکس در مطلبی که بکر و دست اول بود و به تنهایی از لابه‌لای متن استخراج کرده بودم، نه تنها ضنّتی برای ثبت مطالب نداشتند، بلکه تشویق زائد الوصفی در به دست آوردن و استخراج مفاهیم تازه به عمل می‌آورد، اما همین استاد حائری در تجدید چاپ فهرست نسخ جلد ۳ بسیاری از تفصیلات مرحوم ابن یوسف را حذف کردند.

در دایره کار استاد حائری هر لفظی معنای خاص خود را دارد، و نباید به حریم معنایی آن تجاوز کرد. الفاظی مانند: «گویا» «احتمالاً» «باید» و «ظاهراً» هر یک بار معنایی و طبقه بندی خاصی دارد و استاد هرگز اهمال و تسامح را در استعمال دلخواه آنها روا نمی‌داند.

اساساً استاد در تعریف فهرست‌نویسی گوید: «اساس کار فهرست، شناختن عنوان کتاب و مولف است و اساساً فهرست‌کاری جز کشف این دو عنوان ندارد، و باقی مسائل ذیل این دو قرار دارد، ولی تمام مشقّات کار در راستای کشف همین دو عنوان است. ممکن است محقق یک ماه، تمام وقت به کار پردازد و حاصل کارش همین دو سطر باشد.

اصولاً بدترین چیزی که در ذهن استاد حائری نسبت به فهرست‌نویس وجود دارد، این که وی بدون تحقیق و تأنی لازم نسبت به شناخت کتاب، آن را با عنوان مجهول ثبت کند و رد شود. و اصولاً تهیه فهرستی که در اکثر نسخ به عنوان مجهول المؤلف ثبت شده باشد، چه گرهی از کار محقق می‌گشاید و چه مشکلی را از جامعه علمی حل می‌کند؟ جز این که سیاهه‌ای از شماره‌های نسخ و اطلاعات ناقص با اغلاط فراوان. باری فهرست‌نگاری در دید استاد یعنی دقت و دقت و دقت».

نه که همیشه دست دهد روح آن بزرگوار و بستان

در ریش تاریخ خاص است که در سطر کار هر کس که

فهرست‌نگار و شخص کتاب‌شناس، اول باید بهره لازم از تحصیلات معمول حوزوی را دارا باشد، و علاوه بر آشنایی کافی با علوم اسلامی از صرف، نحو، معانی و بیان، فقه، اصول، کلام و فلسفه گرفته تا رمل و اسطرلاب و نجوم، تسلط کافی به سیر تاریخ علم در اسلام و شناخت دانشمندان اسلامی نیز داشته باشد.

لیخ که با همواره در سفر آسوده‌تر راه‌پسندگان و

آری آنچه گفته شد، فلسفه استاد حائری در نگرش به فهرست‌نسخ است و اما شیوه عملی او: استاد در فهرست‌نویسی به غایت دقیق است و با وسواس. نه قائل به اطناب ممل است و نه ایجاز مختل. به عکس برخی که به طعنه فهرست ایشان را مجمع الفوائد می‌نامند، هیچ مطلبی زائد در فهرست ایشان یافت نمی‌شود. آنچه در معرفی کتاب لازم است، به خواننده منتقل می‌گردد، نه بیش، نه کم. در حقیقت تفصیل کلام در برخی مواضع فهرست استاد، در راستای تهیه مواد خام و متقن برای نگارش تاریخ علم است